

## نگرشی بر عید نوروز و دلایل بقای آن

دکتر صمد عابدینی\*

Phab\_un@yahoo.com

بر آمد بوی صبح و عطر نوروز  
مبارکت بادت این سال و هر سال  
به کام دوستان و بخت پیروز  
همایون بادت این روز و هر روز

### مقدمه

در فرهنگ ایران آئین‌ها و جشن‌هایی به چشم می‌خورد که هم نشان از قدمت و درخشندگی تمدن ایران و هم نشان از هویت فرهنگی ایرانیان دارد. ولی آنچه که نیاز به تعمق دارد این است که این جشن‌ها تاب مقاومت در برابر تغییرات اجتماعی و فرهنگی را نداشته و همزمان با این تحولات، از عرصه فرهنگ رخت بر بسته‌اند و در این میان عید نوروز است که فراتر از تک‌تک ما انسان‌ها عمر داشته و بقا یافته است.

عید نوروز از جمله اعیاد و جشن‌هایی است که از یک طرف جنبه اسطوره‌ای داشته و مجموعه‌ای از ارزشها و احساسات اخلاقی را به میراث‌خواران این سرزمین پهناور عرضه می‌دارد، و از طرف دیگر در ذات خود مفاهیم و مضامینی دارد که گویای بالندگی و شکوفایی فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مردمان و نیکان این مرز و بوم است، به طوری که در مقابل حملات و هجوم قبایل و عشایر بیابان‌گرد نه تنها توان مقاومت داشته بلکه همچنین تأثیرگذار بر حیات فرهنگی اقوام غالب بوده است.

این اسطوره‌ها شامل اصول و آموزه‌های مذهبی و یا ملی هستند و به خاطر همین آموزه‌هاست که می‌بینیم ایرانیان فرهنگ اسلامی را پذیرفتند و آن را در تلفیق با فرهنگ ایرانی مهم شمرده و به مراسم و آئین‌های خود نیز رنگ و بوی اسلامی بخشیدند و از همه مهمتر

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال

**آئین‌ها و مراسم‌هایی که از زمان‌های گذشته  
به ما ارث رسیده علیرغم اینکه بیانگر قدمت و  
پیشینه تاریخی جامعه‌مان است گویای هویت  
فرهنگی ما نیز هست**

در عید نوروز عناصری نهفته است که در اعیاد و جشنهای دیگر کمتر سراغ داریم. این عناصر باران، رویش سبزه، زنده‌شدن دوباره طبیعت و زندگی دوباره است. به عبارتی عید طبیعت با عید تقویمی منطبق است و اول هر سال، فرارسیدن نوحا، سبز شدن زمین، ریزش باران و بوی باران را نوید می‌دهد.

### طرح مسئله

فرهنگ هر قوم و ملتی ترکیبی از اعتقادات، باورها، اسطوره‌ها، آئینها و مراسم و به طور کلی شیوه‌ها و الگوهای زندگی است که در طول تاریخ توسط پیشینیان و اجداد انسانها ساخته و پرداخته شده و طی فرایند جامعه‌پذیری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و موجب تداوم و حفظ الگوهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌گردد، هرچند ممکن است الگوهایی که میراث گذشتگان است در گردش روزگار دچار دگرگونی و تغییر شده و مورد بازنگری نسلهای بعدی قرار گیرند. ولی آنچه مهم است به قول «اگوست کنت» - جامعه‌شناس فرانسوی - «حکومت مردگان بر زندگان است، به عبارتی زندگی انسانهای حاضر از اندیشه‌ها و احساسات گذشتگان ساخته می‌شود».

آئینها و مراسمی که از زمانهای گذشته به ما ارث رسیده علیرغم اینکه بیانگر قدمت و پیشینه تاریخی جامعه‌مان است گویای هویت فرهنگی ما نیز هست. به سخن دیگر، این آئین‌ها همانند شناسنامه‌ای هستند که مشخصات ایرانی‌بودن بر صفحات آن حک شده است. چنان که ایرانیان مقیم کشورهای دیگر در فواصل جغرافیایی دور، اما با فاصله فرهنگی نزدیک به وجود چنین هویتی افتخار می‌کنند و همه‌ساله وجود چنین مناسبت‌هایی را جشن می‌گیرند.

یکی از جلوه‌های هویت که در فرهنگ عامه چندین هزار ساله مردم ایران جایگاه خاصی پیدا کرده، عید نوروز است و کمتر عیدی است که در تاریخ اجتماعی ایران به اندازه نوروز قدمت داشته و دوام آورده و در بین مردم محترم شمرده شود. چنانچه از شواهد تاریخی برمی‌آید شمار اعیاد و جشنهای ایران باستان زیاد بوده و تقریباً در هر ماه چندین جشن برگزار می‌شده است. «گردیزی» در باب چهاردهم کتاب «زین الاخبار» حدود ۳۶ جشن و عید را نام برده که امروزه نشانی از آنها نمانده است (گردیزی، ۱۳۴۸: ۹۰). از جمله این اعیاد، مهرگان (۱۶ مهرماه)، آبریزگان (۳۰ بهمن‌ماه)، سده (۱۰ بهمن‌ماه)، جشن بر نشستن کوسه (اول آذرماه)، تیرگان (۱۳ تیرماه) جشن آتش (۱۹ آذرماه) است (فروهر، ۱۳۷۸: ۹) که در شمار جشن‌های سالانه ایرانیان باستان قرار داشتند و غبار زمان چهره آنها را

پوشانده است. در این میان عید نوروز با جسارت تمام توانسته ارابه خود را در فراسوی تاریخ به پیش براند و هرچه تاریخ را پشت سر گذاشته، آبدیده‌تر شده و جلای بیشتری یافته است. پس در اینجا این سوال مطرح می‌شود که چرا با وجود گذشت چندین هزار سال، عید نوروز توانسته بقا و تداوم پیدا کند؟ چه نگرشی در پشت صحنه عید نوروز حاکم بوده، که آن را تداوم بخشیده است؟

### خاستگاه عید نوروز و دلایل بقای آن

در مورد تعیین دقیق پیدایش نوروز حافظه تاریخی ما ضعیف است. یعنی اینکه تاریخ اجتماعی و فرهنگی ما به طور دقیق مشخص نمی‌کند که چه زمانی نوروز مطرح شد. ولی آنچه واضح است این نکته است که اولین ساکنان این سرزمین پهناور که اجداد و نیاکان کشاورز و دامدار ما باشند، فرزند طبیعت بودند و با طبیعت آشتی کرده و با آن زندگی می‌کردند، نظاره‌گر واقعی زایش، رشد و مرگ طبیعت و مشاهده‌گر تغییرات آب و هوایی و چشم به امید دمیدن نفس‌های الهی در زمین و رفتن فصل سرما و رسیدن فصل سرسبزی و طراوت بودند و در طول زندگی خود چنین فرایندی را به طور مداوم تجربه می‌کردند. نیاکان ما هر ساله چشم به انتظار رویش زمین و کسب رزق بودند و خروج از تاریکی زمستان و رسیدن بهار و نوشدن طبیعت را «روز نو» نام نهاده‌اند. در چنین روزی است که خوان نعمت بی‌دریغ خداوند در حدود و ثغور شرق و غرب بر همه جا کشیده می‌شود، چنان که ملک‌الشعراى بهار می‌گوید:

باز به پا کرد نوبهار سراق  
بلبل آمد خطیب و قمری و ناطق  
طبل زد از نیمروز لشکر نوروز  
وز حد مغرب گرفت تا حد مشرق

و انسان از دیدن چنین نعمتی حیران می‌شود، چنان که سعدی می‌گوید:

صبحم از مشرق برآمد باد نوروز از یمین  
عقل و طبعم خیره گشت از صنع رب العالمین

در دورانی که هنوز علم رشد پیدا نکرده بود، نیاکان آریایی ما با تداوم سرما و گرما و متناسب با طول مدت آن دو، فصول سال را تقسیم می‌کردند. آریایی‌هایی که برای اولین بار وارد ایران شدند فصول سال را به دو فصل سرما و گرما تقسیم کردند و در آن زمان هنوز از فصول چهارگانه خبری نبود. از نظر آنها فصل سرما دو ماه و فصل گرما نیز دو ماه بود، ولی پس از مدتی فصل سرما را پنج ماه و فصل گرما را هفت ماه اعلام کردند. البته قابل ذکر است که در هر یک از این فصول نیز جشنی برگزار می‌شد و هر دو این جشنها را آغاز سال نو می‌دانستند. جشن اول با آغاز فصل گرما یعنی موقع به‌چراگاه‌بردن دامها و جشن دوم با شروع سرما آغاز می‌شد. (طالبی،

۱۳۷۹: ۳)

بدین ترتیب جشن‌هایی که به مناسبت نوروز برگزار می‌شد همانند نوروز اول سال نبود تا اینکه با تحولات اجتماعات انسانی و

پیدایش شهرنشینی و توسعه علم نجوم در بابل، مصر و هند و کشف بروج دوازده‌گانه زمان دقیق گردش زمین به دور خورشید به تعداد ۳۶۵ روز در چهارفصل سه ماهه محاسبه و ضبط شد (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۲) و به همین منوال در سال ۴۶۷ هجری در ایران نیز به همت سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی و توسط عمرخیام تقویم جلالی تنظیم شد (شربانی، ۱۳۷۸: ۱) و نوروز که روز اول بهار و وقت نجومی تحویل خورشید در ماه بود ثابت نگه داشته شد.

بنابراین با توجه به اینکه نیاکان ما دو اعتدال پائیزی و بهاری را - یکی به عنوان جشن مهرگان و دیگری به عنوان جشن نوروز- همچون عید نوروز ما جشن می‌گرفتند، عمر خیام اول سال را که شروع بهار و آغاز اعتدال ربیعی بود نوروز نامید. هرچند دو اعتدال که بیانگر تحولات و دگرگونی در طبیعت هستند در نزد ایرانیان مهم تلقی می‌شدند، ولی عظمت نوروز و شرط ماندگاری آن و اهمیت آن نسبت به عید مهرگان و دیگر اعیاد، در هم‌زمانی با اول سال تقویمی است. ناصر خسرو در این زمینه می‌گوید:

### نوروز به از مهرگان اگرچه ز هر دو ز مانند اعتدالی

علیرغم تغییرات آب و هوایی در بقای آئین عید نوروز، در تاریخ ایران به اسطوره‌هایی برمی‌خوریم که نقش مهمی را در انسجام ملت ایران و ماندگاری عید نوروز ایفا می‌کنند. برای فهم بهتر مطلب شایسته است تعریفی از «اسطوره» داشته باشیم و اجزاء و عناصر آن را شناخته و بینیم عملکردشان در بقای نوروز چگونه است.

اسطوره شامل مجموعه‌ای از داستانها، اشعار و گفتارهایی است که موجب بیان احساسات یک گروه نسبت به جامعه و ارزشهای اخلاقی و شعائر آن می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۷۳). اسطوره‌ها احساساتی هستند که ارزشهای غایی یک ملت را منعکس می‌کنند، به افراد هویت داده و از آنها ملت می‌سازند و به خاطر کارکردهایی که در جامعه ایفا می‌کنند، هم خود بقا پیدا می‌کنند و هم به تداوم پدیده‌های دیگر کمک می‌کنند.

احساساتی که در قالب اسطوره در این سرزمین کهن وجود داشته و به بقای نوروز کمک کرده عبارتند از:

الف) احساس ایرانیان در مورد آفرینش

ب) احساس ایرانیان در مورد پیروزی حق بر باطل.

در اینجا به این دو مهم پرداخته می‌شود. یکی از مهمترین اسطوره‌ها در زمینه عید نوروز که وجهه مذهبی نیز دارد، به آفرینش جهان و کائنات مربوط می‌شود که در متون تاریخی به آنها پرداخته شده است. صارمی به نقل از بیرونی در این مورد می‌نویسد: «در باورهای ایرانیان باستان هرمزد پس از بی‌هوشی اهریمن آفرینش گیتی را شروع کرد. او از زمان بی‌کران زمان کرانه‌مند را می‌آفریند تا در هنگام مناسب آفرینش را به حرکت درآورد و سپس آفرینش پدیده‌های دیگر گیتی را درمی‌افکند. او در یک سال و شش نوبت آسمان، آب،

زمین، گیاه، جانور و انسان را می‌آفریند. بنابراین چهل و پنجمین روز بعد از نوروز، آسمان و ستارگان آفریده شده و در یک صد و پنجمین روز پس از نوروز آب آفریده شد. در دویست و دهمین روز پس از نوروز گیاهان و در دویست و نودمین روز سال جانداران از جمله گاو و در سیصد و شصت و پنجمین روز از گذشت نوروز، انسان آفریده شد. سالگرد این آفرینش شش جشن است که به جشنهای گاهنبار یا گهنبار معروف است و با فاصله‌ای نابرابر در یک سال قرار دارند.» (صارمی، بی تا: ۱)

در جای دیگر آمده است که خداوند روز اول فروردین، موقعی که آفتاب به نقطه اول حمل باشد، عالم را خلق کرد و همچنین حضرت آدم را در چنین روزی خلق کرد. به همین مناسبت اول فروردین نوروز نامیده می‌شود (بهار، ۱۳۷۶: ۳۰۴)

اسطوره دیگر در مورد عید نوروز مربوط به قهرمان اسطوره‌ای ایران باستان، «جمشید» است. فردوسی در شاهنامه می‌گوید:

به جمشید پر گوهر افشانند	مر آن روز را نوروز خواندند
سر سال نو هر مز فرودین	بر آسوده از رنج تن دل زکین
چنین جشن فرخ از آن روزگار	بماناد از آن خسروان یادگار

چنین نقل شده است که پس از آنکه جمشید دست بدان را از بدی و دست بیدادگران را از بیداد کوتاه کرد، جشن بزرگی ترتیب داد و بر تختی گوهرنشان نشست و دیوان تخت را از هامون به گردون بردند و مردم به شکرانه این پیروزی حق بر ظلم و بیداد، چنین روزی را جشن گرفتند و آن را نوروز خواندند. (شکوهی، ۱۳۷۸: ۱)

طالبی نیز به نقل از «برهان قاطع» آورده است: جمشید که اول جم نام داشت سیر عالم گردید. چون به آذربایجان رسید فرمود تخت مرصعی بر نهادند و بر آن تخت بنشست. همین که آفتاب طلوع نمود و پرتوش به آن تخت و تاج افتاد شعاعی در غایت روشنی پدید آمد. مردمان از آن شادمان شدند و گفتند این روز نو است و چون به زبان پهلوی شعاع را «شید» می‌گویند این لفظ را بر جم افزودند و او را «جمشید» نامیدند و جشن عظیم گرفتند و از آن روز این رسم پیدا شد (طالبی، ۱۳۷۹: ۲)

بدیهی است اساطیر هر سرزمین آئینه تمام‌نمای زندگی اجتماعی و فرهنگی آن قوم و ملت است و زمینه همبستگی اجتماعی بین گروه‌های قومی را فراهم می‌نماید. پیروزی حق بر باطل، غلبه روشنایی بر ظلمت، تحقق عدالت اجتماعی و خلقت جهان، همه و همه احساساتی هستند که در تاریخ ایران تکرار پذیرند و هر چه تکرار می‌شوند تقویت می‌شوند و عید نوروز این احساسات را با خود دارد.

سومین عاملی که در تداوم عید نوروز دخالت دارد، ماهیت کارکرد آئینها و مراسم عید نوروز است. آدابی از قبیل پاکیزگی، شستشو، آراستگی ظاهری و باطنی، هدیه‌دادن، روحیه بخشش، دید و بازدید و حس تعلق گروهی از جمله اعمال و رفتارهایی است که مورد پسند فرهنگ‌های دیگر نیز می‌باشد. بنابراین می‌بینیم که با ورود فرهنگ اسلامی به ایران، عید نوروز نه تنها رنگ نباخت بلکه پیوند

**آئین‌ها و مراسم عید نوروز آنچنان از غنای  
معنوی برخوردارند که حتی زمانی که ایران زیر  
حمله‌های بدترین ظالمان و بدترین قومیت‌کشی‌ها  
قرار گرفته، نوروز همچنان به قوت خود باقی  
مانده و روح و دل ایرانیان به شمار می‌رفته است**

محکمی با آئینها و آداب اسلامی برقرار کرد. در واقع این سرزمین مسلمان‌نشین شیعی مذهب بنا به گفته علامه مجلسی با علایق متین و استوار به دین اسلام، نوروز خویشتن را رنگ اسلامی داد و عقاید و اعتقادات باستانی خود را در خصوص نوروز با احادیث و اخبار اسلامی در هم آمیخت و آن را مطابق با روز خلقت آدم، ساختن کشتی نوح(ع)، شکستن بت‌ها به دست حضرت ابراهیم(ع)، بعثت رسول

اکرم(ص)، ولادت حضرت قائم(عج) و جلوس حضرت علی(ع) به خلافت نمود. (لولویی، ۱۳۷۹: ۵)

البته ذکر این نکته نیز مهم به نظر می‌رسد که علیرغم آداب پسندیده، نوع برخورد و تماس فرهنگی نیز در بقای عید نوروز می‌تواند مهم شمرده شود. در این زمینه نقل می‌کنند که وقتی امیرالمؤمنین علی(ع) مالک اشتر را به مصر می‌فرستادند - مصری که فرهنگش با فرهنگ حجاز تفاوت داشت - به او گفتند که این مردم یا برادران دینی تو هستند یا هموعان انسانی تو. چنین نیست که هر کسی که برادر دینی تو نباشد از دین انسانیت خارج است و اگر در میان مصریان سنت صالحه‌ای هست مبادا آن سنت را بشکنی و از آن استفاده نکنی، مبادا به آنها بگویی که من آمده‌ام همه چیز را عوض کنم. عوض کردن همه چیز شعار ما نیست(سروش، ۱۳۷۹: ۳۵)

به طور خلاصه آئین‌ها و مراسم عید نوروز آنچنان از غنای معنوی برخوردارند که حتی زمانی که ایران زیر حمله‌های بدترین ظالمان و بدترین قومیت‌کشی‌ها قرار گرفته، نوروز همچنان به قوت خود باقی مانده و روح و دل ایرانیان به شمار می‌رفته است. در کتاب «هیوط در کویر»، آمده است که «آری هر ساله حتی همان سالی که اسکندر چهره این سرزمین را به خون ملت ما رنگین کرده بود، در کنار شعله‌های مهیبی که از تخت جمشید زبانه می‌کشید همانجا همان وقت مردم مصیبت‌زده ما نوروز را جدی‌تر و با ایمان بیشتری بر پا می‌کردند. آری هر ساله حتی همان سال که سربازان قتیبه بر کنار جیحون سرخ‌رنگ خیمه برافراشته بودند و مهلب خراسان را پیاپی قتل و عام می‌کرد در آرامش غمگین شهرهای مجروح و در کنار آتشکده‌های سرد و خاموش نوروز را گرم و پرشور جشن می‌گرفتند (شریعتی، بی تا: ۲۸۰). بالاخره نوروز در چشم مغان و در چشم موبدان و در چشم مسلمانان و شیعیان عزیز شمرده شد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که دوام عید نوروز به ماهیت کارکردی آن، اول سال تقویمی قرارگرفتن و همزمانی با بهار طبیعت و به خاستگاه اسطوره‌ای آن برمی‌گردد. امید است که به این عید نه به دیده اهل ظاهر، بلکه به دیده اهل نظر بنگریم و آن را تنها تحولی

بیرونی تلقی نکرده، آن را به عنوان رخداد و تغییر حال درونی به بهترین احوال بدانیم. با چنین نگرشی است که هر روز ما نوروز می‌شود. به عبارتی اگر چشم‌هایمان را بشویم و جور دیگری ببینیم، اندیشه جدیدی داشته باشیم و جهان‌بینی فعالی داشته باشیم هر روز را روز نو می‌بینیم، چنان که فردوسی می‌گوید:

همه ساله بخت تو پیروز باد      همه روزگار تو نوروز باد!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع:

- بهار، مهرداد، *از اسطوره تا تاریخ*، نشر چشمه، ۱۳۷۶
- ساروخانی، باقر، *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی*، نشر اطلاعات، ۱۳۷۰
- سروش، عبدالکریم، *قمار عاشقانه*، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۹
- شربانی، همایون. *روز نوروز آمد به فیروزی؛ گذری بر پیشینه آداب و رسوم عید نوروز*، نشریه آزاد، ۱۳۷۸
- شریعتی، علی، *هبوط در کویر*، انتشارات حسینیه ارشاد، چاپ سوم
- شکوهی، عید نوروز یادگار چند هزار ساله ایران، نشریه قدس، ۱۳۷۸
- شیخاوندی، داور، «اسطوره نوروز؛ نماد همبستگی ملی اقوام ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۳۷۹
- صارمی، محمد حسن، «نوروز به روایت اساطیر»، نشریه *جهان هوانوردی و گردشگری*، شماره ۳۳ و ۳۴
- طالبی، تهماسب، «استقبال از بهار»، نشریه *فرهنگ و تعاون*، شماره ۱۷، ۱۳۷۹
- فروهر، نصرت الله، «آئین نوروز در ایران»، نشریه *کیهان فرهنگی*، ۱۳۷۸
- لولویی، کیوان، «نوروز در فرهنگ ایرانی، جستاری در تاریخچه پیدایش نوروز و آئین‌های مربوط به آن»، نشریه *فرهنگ اصفهان*، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۳۷۹
- گردیزی، ابوسعید، *زین الاخبار*، ترجمه عبدالحی حبیبی، تهران، ۱۳۴۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی